

کبد شد و از کبد خارج و وارد اجوف صنادک گردید تجزیه کردند و بدند
ماده حلوه در آن موجود شده است و این تجزیه و امتحان معلوم گردید کبد
مولد آن ماده است نه کلیه چنانکه قدم خیال میکردند پس از آن دیدند از صد
زدن بصل نخاع عمل کبد زیاد میشود با اگر مرضی در کبد بوده پس از موت
از تشییح واضح شد محل آن بصل مذکور است نه نفس کبد بقیه در مریه

جواب پسر زاده سلطان محمد میرزا ولد مرحوم عماد الدوله از سوالی کرد که فرموده
شد بود در باب معنی آخوند و شاطر و تاجبند
ظاهر آخوند از لغات مستحدثه میباشد ماخذی ندارد و شاطر چون باطبا
مؤلف نوشته میشود و همچنین در تحت و فان ^{است} است لهذا عربی میباشد
ولی در لغت معنی چندان مناسبی ندارد الا آنکه میگوید الشاطر من اعيا
اجله خبثا و این بکنو دلالت دارد بر شدت و سختی و جسارت و شاید
با این معنی باشد گفته شیخ کرچه شاطر بود خروس بچینک یعنی طرف مقابل
و خصم خود را بمشقت در مبارزه در جنگ بعبارة اخری معنی چنین میشود
که شدت و سختی دارد در جنگ و این معنی در غیر مثل انسان مجازا شاید
استعمال شده باشد یعنی توانائی در تهور دارد اما تاجبند و تاجلن و
تازبک و تازک لغتی فارسی و بمعنی واحد هستند و معنی او در فارسی
عرب و ترک را گویند و در اصل بمعنی اولاد عرب است که در عجم بزرگ

شد و برآمد باشد
جوابیکه از عمد بمعنی مصدر فرموده بودید متمسکا بقول زجاج و تفسیر
آیه مبارکه مقرون بصواب است الا آنکه خالی از تکلف نمی نماید چه همواره
مذهب بر این است بعلاوه از عبارات زجاج بکنو اختصاص مفهوم میشود
بلکه صریح در آن است که میگوید العده هنا بمعنی الصدکاته سماع فی هذا
الموضع ولا یقاس علیه و ازین قبیل زیادات
سلطان محمد

جوابی از نظر ابن خلکان غیر ازین متصور نیست که خود او میگوید که این
شعر از جمله ابیات عمرو بن اطنابیه الانصاری جزو جی است و احدی درین اختلا
ندارد از اهل ادب و این شعر از اشعار مشهوره شاعر مذکور است و مقصود
که ابو عبید و ثورک سند شعرا ندانسته اند و این نظر با قوه میدهد
بروایت معتبره که در کامل ذکر کرده است که معویه بن ابی سفیان قال
اجعلوا الشعر اکبر همکم و اکثر ادا بکم فان فيه ما اثر اسلافکم و مواضع ارشاد
فلقد را بیتی بوم الهزبه و عزمت علی الفرار فنادت فی الاقول ابن اطنابیه الا
آبَتُ بِي عَفْقِي وَايَةُ بِلَائِي وَاخَذِي اَلْحَمْدُ بِالْأَشْمَسِ الرَّبِيعِ
وَأَجْشَامِي عَلَى الْمَكْرَهُ نَفْسِي وَضَرْبِي هَامَةَ الْبَطْلِ الْمَشِجِ
وَقَوْلِي كَلِمَاتِ جِشَاتٍ وَجِشَاتٍ مَكَانَكَ تَحْمَدًا وَتَسْتَرْبِي
لَا دَفْعَ عَنِ مَآثِرِ صَالِحِي وَاحْمِي عَنِّي عَرَضِي الْقَصْرِ بِي

سلطان محمد
بقية أخبار حفظ صحته ابو الحسن كبر حكيما
كشيكخانه مبارک در کتب مشربیه

چون مستی چند دفعه در بک شخص تکرار یابد پس از زوال حالت کمال در حقیقت
یاد کار گذارد و نقصان در جمیع اعمال حاصل شود که همیشه در بزبادت است
و این آثار بسته بدینکه مستی بدرجه ستم رسد تا سمیتا کل اثر نماید پسند
و افراطی بزودی بچندین علامت معلوم میشود چنانکه بونی و کونه و لپها
سرخ کشته گوشها و نکیب و عروق صفاری در او مشاهده میشود که چندان
زیاد شد و نمایان کشته اند معده و روده ها متهمیج و اشها که وقت شایع شد
پس از آن امراض کبد و آفات علاج ناپذیر بر قلب حاصل شد و عمل کلیه و مثانه
و سایر امراض خطرناک احداث نماید باجملم بواسطه اثر همین سبب است
اختلال دست میدهد اصلاح ناپذیر چنانکه لرزش مداوم در دست و زانو
و بازو بهم رسد تفسیر شعور از حیالات معلوم و عقل بنکوی انسان میباشد

ترجمه تاریخ جنگ بن حسن

که اسامی آنها ذکر شد از قول شخص دومی سابق الذکر که تاریخ سنوات آنها را حکایت میکند هر دو منبهم بعد از آن عدول میکنم بحکایت از کتابی که در فصلنامه
فصل چهارم در اخبار ملوک که ذکر آنها گذشت (بطلبوس محبت الالب) (بطلبوس الصانع) (بطلبوس محبت الام) (فلوقطرا)
اما بطلبوس محبت الالب این پادشاه بابنی اسرائیل جنگ کرد در فلسطین و ایشانرا سپر نمود و مدتی اسیر او بودند بعد آنها را رها کرد و عطا کرد با آنها ظرفی
از نقره که انرا از سقف بیت المقدس بنوا بزند و پادشاه شام در آنوقت انطبها خوس بود این پادشاه با نظا که نزول کرد و خود او با بن شهر بود
فصل چهارم با بطلبوس محبت الالب نمود و انجا هر بیت داده مورد صدقات نمود اما بطلبوس صانع تهیه جنگ با انطبها خوس دامید بد که خبر فوت انطبها خوس بد
رسید و بعد از فوت او بطلبوس بر شام دست یافت و انرا مضاف ملک روم نمود و بدینواسطه پونا آنها را بر شام استیلا حاصل شد اما بطلبوس محبت
الام در ایام او اسکندروس بن انطبها خوس در صدد برآمد که ملک شام را از پونا آنها باز پس گیرد پونا آنها بر او غلبه نموده و بهامر نوس پادشاه شام شد
اما فلوقطرا این پادشاه طالب و دوستدار علوم بود و نهایت با بل بیع آنها و کوشش میکرد که کتب فلاطون و ارسطاطالیس و ابقراط را بدست آورد و آنها

بجینون علاج ناپذیر میگردد دکتر باهل ثلث مرصتا گنجون که در شان تن
 جمع بودند معلوم کرد که بدن سبب هوانه شده اند و جنون مستانرا کا
 بقیه مملکت است چنانکه انا ترا که از زندگانی بجهتی دلشکی حاصل شده باشد
 در نجات خود امید کنند اطبای فرنگستان ثابت نموده اند که در هر چند
 سال بیشتر اشخاص که خوردا کشته اند درستی بوده است
 و اتفاق خطرناک دیگری است که عوام مینداشتند ولی بناید بر طبیب پو
 باشد که غالباً بقیه مستی است و آن آتش گرفتن بدون جهت انسان است چنانکه
 از تجارب بسیار اشخاص قابل مکشوف شده است و در بنات طب شرعی
 فرنگی آورده اند که چندین نفر که الکی مفرط بکار برده اند محض نجا و رست
 چراغ با اندک آتش سوخته زغال کشته اند چندان دلیل دارد که بواسطه افراط
 شرب الکی ناپذیر گوشت و استخوان حیوان قابلیت احتراق پاید پس بر جوانان
 لازم است که هر قدر زودتر ممکن باشد عنان نفس گرفته از بنکار کفاره کنند
 و محض حفظ صحت جمع اطبای فرنگی هم این قسم شراب را منع نموده اند چنانکه
 زندگانی را با بدبختی بدن ناهنجاری زدی بلی وقتی اطبای ایران این اشرار را
 مفید میدانستند ولی مقصود ایشان شراب در وقت لزوم بود نه عرق در وقت
 صحت و عدم لزوم رن دلیل که انا طبیبی حافظ القصره فرنگستان است میگوید
 که اگر خطر شرب الکی را کسی بداند هیچ تعجب نخواهد داشت که چرا شروع مقدم
 ایران زمین انرا حرام شمرده پس بر ما است شکر منا جده که چون از معانی
 خبر داشت حرامش نمود و اشرار الکی بدنهانی موجب برهم زدن است
 سلامت خود شخص نیست بلکه در مزاج اطفال او نیز مؤثر و مضر است و سبب
 امراض خطرناک و عسر العلاج میشود در یکی از تیزهای فرنگی که در اسباب
 مستعد دارند و جنون مولودی و نقصان عقل مادر زادی نوشته شده است
 معلوم نموده اند که در پناه و شش نفر که امتحان شد واضح کردید که در او
 نفر آنها بواسطه مستی ابون مبتلا شده اند

عیب افراط در اشرار الکی منحصر بدین ها که مذکور شد نیست کسی که بجهت
 مکرر عادت نمود با بد از مرگ فحاشه ایمن نباشد چه بیماری از مرگ فحاشه را
 بجز مستی مکرر سببی نیست چنانکه بعضی اشخاص غرق میشوند باز بر کالسکه
 میمانند مستان را نیز چنان بدست گرفته و در اثر سوزان حقیقه و بمان
 قسم نثار راه عرق میکنند و کان نکنند که این مرگ فحاشه را ایشان اتفاقاً
 چه از تجارب فرنگیان هم ساله خلاف این اعتقاد بظهور میسر شد چنانکه در
 چهار هزار و پانصد و شصت نه مرده بمک ناکه آن که بعرض هفت سال در
 فرانسه اتفاق افتاد ثابت شد که هزار و شصت و بیست و دو نفر مستی بوده
 و در همان حالت داء هلاک پیچیده اند پس بدن حساب و ذمی چهار نفر
 بدین سبب ناکه آن مرده اند و حال در فرانسه رسم شده است که جناح حاصله
 از شخص مست را بره و سپاست مضاعف باشد چنانکه در کت ۲۰ ارت
 ۱۵۳۶ مذکور داشت که بواسطه اینکه مستان خود را میکشند از هیچ
 گونه احتیاطی پروا ندارند قرار دادیم که مست چون در دفع اول بجزئی
 خیابان گرفتار آید نان و آب بر او پیش بر بندند و در دفع دوم چویش
 بزنند و در دفع سیم کوشش را بریده مردم از اجتناب نمایند و بخود
 راهش ندهند

بقیه در نامه است

جزایر

جزایر فرانسه

از جزایر فرانسه کورس و کورسیک است این دو جزیره واقع در دریای مدیترانه
 و جزایر ایل و نوآر مویترو و آلون این جزایر واقع در دریای ایتالیانند

نقشهای و شمرهای فرانسه

خاک فرانسه هشتمین قسمت شده و هر قسمتی را پارلمان نامیده اند

شهرهای فرانسه

پاریس پایتخت فرانسه و واقع در جنوب شمال آن مملکت و جمعی است

ترجمه تاریخ خمر بن حسن

علیه مقدس و مینباشند (اغسطس) (طباریس) (قلودنس) (تبرن) اغسطس اول پادشاهی بود که او را قیصر نامیدند و اشتقاق لفظ قیصر
 از او شد زیرا که مادر او مرد در حال تبکه اغسطس در شکم او بود و حرکت میکرد در شکم او لهذا شکم او را پاره کردند و اغسطس با بیرون او و درند چون
 اغسطس پادشاه شد با اسکندر زهر حویک کرد و غالب آمد و هر چه دران بود بچنگ او افتاد و غزنیهای اموال و سلاح از حمل برومیه نمود و شهر قیصر
 در روم بنا کرد و در سال چهارم سلطنت او حضرت مسیح علیه السلام متولد شد اما طباریس دفع حضرت عیسی در زمان سلطنت او بود (دفع حضرت
 عیسی یعنی رفتن او با آسمان) و بعد از رفع عیسی سه سال بیشتر پادشاهی نکرد و اما قلودنس این پادشاه یعقوب بن زبد الحواری را بکشت و اول سلطان
 بت پرست بود که قتل مضاری را در رسم نمود و بر ضد مذهب ایشان بود اما نبرون شمعون و بولس و جماعتی دیگر از نصاری را بکشت (طاطس) (دومطیانس)
 (ادربانس) (انطونیس) اما طاطس و شربان او استپانوس بود بر این دو باغی شده این دو بر سر بیت المقدس رفتند جنگ کرده سه هزار مجبور
 در بیت المقدس بکشتند و ذرات آنها را اسیر کردند و این واقعه در یکسال سلطنت طاطس استپانوس واقع شد اما دومطیانس در نه سال سلطنت

مناوی باد و مهینان میباشد شهر آرلان واقع در مرکز فرانسه روی رودخانه لوآر پنجاه هزار نفر جمعیت دارد شهر لیل که هفتاد و شش هزار نفر جمعیت دارد شهر هاور بندر پست بر روی دریای مانش و جمعیتش مناویست با پنجاه و هفت هزار نفر شهر روان بندر پست واقع بر روی سن و صد هزار نفر جمعیت دارد شهر امین واقع در روی رودخانه سم و جمعیتش مناویست با پنجاه و سه هزار نفر و در جانب مشرق واقع است شهر نین واقع بر روی رودخانه مزل و جمعیتش آن شصت هزار نفر است شهر استرازیونج جمعیتش مناویست هفتاد و شش هزار نفر شهر لین واقع بر روی رودخانه رن دو پست پنجاه هزار نفر و در جانب جنوب فرانسه واقع است شهر تولوز با جمعیت ۹۴ هزار نفر شهر نیم با پنجاه و چهار هزار جمعیت شهر بارسل که بندر پست روی دریای مدیترانه و دو پست هزار نفر جمعیت دارد تولن که بندر پست نظامی و شصت و نه هزار نفر جمعیت آن است و واقع در جانب مغرب فرانسه شهر پست که آن نیز بندر نظامی و واقع بر روی دریای محیط اتلانیک و شصت و دو هزار نفر جمعیت دارد مانت که بندر پست بر روی رودخانه لوآر و نود و شش هزار نفر جمعیت دارد شهر برو که بندر پست بر روی کارن با صد و سی هزار نفر جمعیت

بقیة در نمره اینه
بقیة نام مشرق بلن مترجم با شی قسوق مشرقین
 المقوقس گفت چه وقت و چگونه نماز میکند از بد خاطر گفت شبانه روزی پنج مرتبه نماز میکند بهم نیز از احکام و فرموده های آنحضرت است که ماه رمضان را روزه بدارد و کعبه معظمه زیارت کند و در روز میلاد که آنرا قبول مینمایند رانج و ثابت باشد و پنهان که با سو کند بستره نکند و گوشت مردار نخورد المقوقس گفت متابعین او از چه ذمه مرد میناشند خاطر گفت خانواده او که اینجانب طوایف هستند و سایر خانواد بزرگ المقوقس گفت آنحضرت با مردمان قبیل خود جنگ میکند خاطر گفت

بلی المقوقس گفت حالات مخصوصه آنحضرت را برای من بیان کن خاطر آنحضرت اظهار داشت ولی باختصار گویند المقوقس گفت هنوز بعضی علامت هست که توانها را اظهار نموده مثل در چشمهای آنحضرت یک رنگ قرمز هست که نادگان رنگ ملاحظه میشود و ما بین شانتهای علامت از علامت پیغمبری است (بموجب و ایتا بوالفدا این علامت عبارت از گوشت زباد پست بزرگی یک تخم کبوتر که دور آن را مو گرفتند روی آن سوار میشود و در آن میپوشد غذای او خرمای خورده های گوشت است اعتنا در بد وجه خوششان و اقارب خود که با او موافق ندارند با حضورت مهور زندگیا در خاطر گفت از روی واقع آنچه گفتی از خصایل و صفات آنحضرت است المقوقس باز شروع بگفتن نموده اظهار داشت که میدانم پیغمبری مبعوث میشود اما کمان میگردم که از شامات ظهور خواهد نمود چنانکه سایر انبیاء متقدمین از آن سر زمین طلوع کرده اند حالا معلوم میشود که زمین خشک بجا صلح عربستان را نقد بر الهی بواسطه این بعثت ترجیح بر شامات داده است اگر من بطور وضوح قبول اطاعت و پیروی آنحضرت نمایم قطعی هاتن بمتابعت من در نخواهند داد بنا بر این میل من اینست که احدی از صحبت با اطلاع بهم نرساند حضرت محمد صلی الله علیه و آله بر دنیا از مالک عالم مسلط خواهد شد و اصحاب او با این مملکت که من هستم خواهند آمد و از آن صاحب خواهند کرد و من پیش بینی میکنم و از بنی طلب خبر میدهم ولی هیچیک از بنی طالب بقیطنها نخواهم گفت حال تو میتوانی نزد اقا و صاحب اختیار خود معاودت نمائی

ابن عبدالحکم بموجب و ایتا عبد الرحمن عبدالقادر که کوپد خاطر تفصیل مسطور نام حضرت را با المقوقس رسانید و المقوقس در کمال احترام با نام مؤ مذکور رفتار کرده او را در یکی از عمارات خود منزل داد

بقیة در نمره اینه

ترجمه نامه نوح علیه السلام

خود بوحشای کایتا نجهیل را احراج بلد نموده بجزیره قبطوس فرستاد و بعد باز کرد بایند اما ادبانش هر چه از بیت المقدس باقی مانده بود خراب کرد و اما انطونیس امر کرد دوباره بیت المقدس را بنا کنند و آنرا اهلنا نام داد (دقیقوس) (دقلطیانس) اما دقیقوس نضارا را میکشت و بر ضد آنها بود و اصحاب کفرا او کربختند و آنها از اهل انیس بودند و در اخبار نضارا می روم آمده است که خدا تعالی آنها را زنده کرد بعد از آنکه سیصد و نرسال بود که مرده بودند و سبب ننگ کردن آنها این بود که پادشاهی از سلاطین روم شکی در نشور پیدا کرده بود اما دقلطیانس و شریک او مقسمیانس نضارا را در بلاد روم بدست میناوردند و آنها را میکشتند و اسیر میکردند (قسطنطین) (بولیانس) اما قسطنطین اول در و مهتم پادشاه شد بعد بنیاز و نظایا انتقال کرد و قلعه برای آن بناخت و آنرا قسطنطین نامید و دارالملک قرار داد و ترک بت پرستی کرد و این در اول سال سلطنت او بود و در سال هفتم سلطنت او مادر او هیلانه و معاویه بنی قسطنطین هیلانه را در شهرها اسیر کرده بود بالجملة هیلانه کفیها در شام بنا کرد و داخل بیت المقدس شد و در آنجا چوبه ای که حضرت عیسی را بر آن بدار زکند برآمد و چوبه را که بدان این کمان مبرقت بگذاورد و بعد صلیب را رسم نمود و قسطنطین را کفایت نمود از سعی در اینکار

بقیة در نمره اینه محمد حسن